

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۸

## ایران ساسانی و مرزهای شمال شرقی آن: جنگ، دفاع و روابط دیپلماتیک<sup>۱</sup>

دنیل تی. پاتس<sup>۲</sup>

ترجمه جهانگیر جعفری<sup>۳</sup> و علیرضا خزایی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۴

در حدود سال ۲۳۳ میلادی،<sup>۵</sup> حاکم ایران ساسانی، یعنی اردشیر اول (۲۴۲-۲۲۴ م.)، مبارزات نظامی خود را در سکستان، گرگان، ابرشهر (در نزدیکی نیشابور)، مرو، بلخ و خوارزم پی گرفت.<sup>۶</sup> تعداد زیاد سکه‌های برنزی ضرب شده از زمان اردشیر اول در مرو و سکستان، فتح آن مناطق در دوران او را تأیید می‌کنند.<sup>۷</sup> و تاریخ‌های مربوط به این فتوحات،<sup>۸</sup> با توجه به لیست پادشاهان خراج‌گذار اردشیر اول، به صورت ضمنی قابل تعیین است. اسامی آن‌ها در کتیبه سه زبان پسرش

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Daniel T. Potts (2018), "Sasanian Iran and Its Northeastern Frontier: Offense, Defense, and Diplomatic Entente," In *Empires and Exchanges in Eurasian Late Antiquity Rome, China, Iran, and the Steppe, ca. 250–750*, from Part III: Empires, Diplomacy, and Frontiers, Edited by Nicola Di Cosmo, Pp. 287-301.

۲. استاد باستان‌شناسی و تاریخ جوامع خاورمیانه باستان، دانشگاه نیویورک، ایالات متحده آمریکا.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه بوعلی سینا jafariadabiat@yahoo.com

۴. پژوهشگر گروه تاریخ در پژوهش‌سرای دانش‌آموزی بوعلی سینا alireza.o.kh@gmail.com

5. M. Alram, "Ardashir's Eastern Campaign and the Numismatic Evidence," *Proceedings of the British Academy* 133 (2007) 233.

6. T. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden, aus der arabischen Chronik des Tabari übersetzt und mit ausführlichen Erläuterungen und Ergänzungen versehen* (Leiden, 1879) 17.

7. 3 Šabuhr I, ed. P. Huyse, *Die dreisprachige Inschrift Sabuhrs I. an der Ka'ba-i Zardust (ŠKZ)*, 2 vols. (London, 1999) 1: 54, sec. 41.

8. J. Marquart [name later changed to Markwart], *Ērānšahr nach der Geographie des Ps. Moses Xorenac'i, mit historisch-kritischem Kommentar und historischen und topographischen Excursen* (Berlin, 1901), 48.

شاپور اول (۲۷۲-۲۴۰ م.) در برج مربع مانند کعبه زرتشت در نقش رستم که به قرن پنجم ق.م تعلق دارد ثبت گردیده است.<sup>۱</sup> با این حال، ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا این فتوحات، منافع واقعی برای دولت ساسانی به همراه داشته است؟ آیا مالیات و عوارض ناشی از هزینه‌های سنگین مربوط به انجام حملاتی دوره‌ای با هدف سرکوب نیروهایی که به مثابه تهدیدی برای عبور از جیحون و حمله به مناطق مرکزی سرزمین ایران بودند، بیش از این فتوحات بود؟ آیا یک قلمرو حائل پایدار ایجاد شده است که امنیت جمعیت یکجانشین (غیرمهاجر) ایرانی را تامین کند؟ آیا اتحادهایی که ایجاد شدند، به شکست دشمن مشترک کمک کردند؟ این‌ها تنها برخی از سوالاتی است که در رابطه با روابط ایران ساسانی با همسایگان شمال شرقی این کشور به وجود می‌آید.

#### اولین اشاره‌ها به کوشان‌ها و هون‌ها:

مطابق با نوشته‌های کتیبه موجود در کعبه زرتشت، شاپور اول (۲۷۲-۲۴۰ م.) تا آنجا که «هندوستان، کوشان‌شهر تا حدود پیشاور، کاشغر، سغدیا و تاشکند» بود را مورد حمله نظامی قرارداد؛<sup>۲</sup> به ویژه کوشانیانی که سرزمین‌ها را از آنسوی تنگه‌ی خیبر<sup>۳</sup> کنترل می‌کردند و به منطقه گاندهارا<sup>۴</sup> فشار می‌آوردند.<sup>۵</sup> در زمان سلطنت هرمز دوم (۳۰۹-۳۰۲ م.)<sup>۶</sup> سرزمین‌های سابق کوشان، تحت نظارت و حکومت افرادی به نام کوشان‌شاه قرار داشتند که کمی قبل از سال

1. 5 N. Schindel, "The 3rd-Century 'Marw Shah' Bronze Coins Reconsidered," in *Commutatio et Contentio: Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East, in memory of Zeev Rubin*, ed. H. Börm and J. Wiesehöfer (Düsseldorf, 2010) 24.

2. ŠKZ 1: 24, sec. 3, and 2: 33.

۳. تنگه خیبر یا گردنه خیبر دره و گذرگاهی معروف در رشته کوه هندوکش است که در مرز میان افغانستان و پاکستان قرار دارد. این گردنه که قرن‌ها راه داد و ستد و هجوم از آسیای مرکزی بوده اینک حلقه عمده ارتباطی بین پیشاور (پاکستان) و کابل (افغانستان) است. (م.).

4. Gandharan region.

5. 7 F. Grenet, "Découverte d'un relief sassanide dans le Nord de l'Afghanistan (note d'information)," *Comptes-rendus de l'Académie des inscriptions et belles lettres* 49.1 (2005) 129-130.

6. N. Schindel, "Adhuc sub iudice lis est? Zur Datierung der kushanosasanidischen Münzen," *Numismatische Zeitschrift* 113-114 (2005) 166, 170.

۳۵۰ م. و با آمدن هون‌ها، این شیوه و ساختار برچیده شد.<sup>۱</sup> هون‌ها (که با عناوین گوناگونی نظیر خیونی‌ها<sup>۲</sup> یا کیداری‌ها<sup>۳</sup> نیز شناخته می‌شوند و در ادامه به تفصیل درباره ایشان توضیح داده خواهد شد) ممکن است که توسط روس‌ها از سرزمین مغولستان به سمت غرب رانده شده باشند.<sup>۴</sup> ژوزف مارکوارت و یوهان جی. م. دگروت، تصور می‌کردند که آن‌ها به عنوان خدمه (رعیت) کوشان قبل از سلطنت شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م.) خدمت می‌کردند.<sup>۵</sup> علیرغم اشاره‌های بیمورد منابع به این هون‌ها به عنوان بخشی از مردمان «ترک» (به عنوان مثال طبری)،<sup>۶</sup> تتوفانس بیزانسی<sup>۷</sup>، مورخ قرن ششم میلادی، که توسط فوتیوس (حدود ۸۱۰-۸۹۳ م.) هم مورد استناد قرار گرفته، اشاره می‌کند که «ترک‌های ساکن شرق تانایس (دون)» توسط ایرانی‌ها کرمیخون،<sup>۸</sup> به معنی هون‌های قرمز خوانده می‌شدند.<sup>۹</sup> آمیانوس مارسلینوس آن‌ها را تحت عنوان خیون‌ها

1. N. Sims-Williams, "The Sasanians in the East: A Bactrian Archive from Northern Afghanistan," in *The Sasanian Era*, ed. V. S. Curtis and S. Stewart (London, 2008) 90.

2. Chionites

3. Kidarites

4. J. Marquart, "Über das Volkstum der Komanen," in *Osttürkische Dialektstudien*, ed. W. Bang and J. Marquart (Berlin, 1914) 70; P. B. Golden, "Turks and Iranians: An Historical Sketch," in *Turkic-Iranian Contact Areas: Historical and Linguistic Aspects*, ed. L. Johanson and C. Bulut (Wiesbaden, 2006) 119.

5. J. Marquart and J. J. M. de Groot, "Das Reich Zābul und der Gott Zūn vom 6.-9. Jahrhundert," in *Festschrift Eduard Sachau zum siebenzigsten Geburtstag gewidmet von Freunden und Schülern*, ed. G. Weil (Berlin, 1915) 254.

شکل خوانش «پیشاور» کاملاً مشخص نیست.

۶. درباره طبری بنگرید به:

Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 99n1; *The History of al-Ṭabarī (Ta'rikh al-rusul wa'l-mulūk)*, vol. 5, *The Sāsānids, the Byzantines, the Lakhmids, and Yemen*, ed. and trans. C. E. Bosworth (Albany, 1999) 51.

۷. مورخ قرن ششم میلادی و معاصر امپراتور ژوستین اول که در نبرد با شاهنشاه خسرو اول (انوشیروان) مغلوب شد. این

مورخ را با دیگر مورخ مشهور بیزانسی، تتوفانس بیزانسی (مشهور به اقرارآورنده) که در اواسط قرن هشتم و اواخر قرن نهم

حیات داشت اشتباه نگریید (م.).

8. Kermichiones

9. H. W. Bailey, "Iranian Studies," *Bulletin of the School of Oriental Studies* 6.4 (1932) 946; H. W. Bailey, "Hārahūna," in *Asiatica: Festschrift Friedrich Weller zum 65. Geburtstag gewidmet von seiner Freunden, Kollegen und Schülern*, ed. J. Schubert and U. Schneider (Leipzig, 1954) 13-19:

بیلی در همان جا این نکته را ذکر می‌کند. بر اساس گزارش پاول کارمرا، هون‌های کرمیخیون همان هون‌های قرمز هستند.

(هون‌ها) معرفی کرده است.<sup>۱</sup> گفته شده است که این هون‌ها در حقیقت کیداریان بودند؛<sup>۲</sup> اگرچه ممکن است که کیداری‌ها بیشتر قبیله‌ای از یکی از شاخه‌های قوم هون بوده باشند.<sup>۳</sup>

### دوستی و همکاری:

در سال ۳۵۰ بعد از میلاد، شاپور دوم به منظور مقابله با نیروهای مهاجم هون که کوشان‌شاه را مغلوب کرده بودند، دست از محاصره نصیبین (در جنوب شرقی ترکیه) برداشت. شش سال بعد، شاپور همچنان مشغول نبرد با اقوام وحشی و عقب راندن آن‌ها از مرزهای ایران بود که غالباً حملات ناگهانی به مرزهای ایران انجام می‌دادند و بعضی اوقات هم در نبرد با رومیان او را همراهی می‌کردند.<sup>۴</sup> این تناقض ظاهری هون‌ها که گاه دشمن و گاه متعهد بودند، با این واقعیت توضیح داده شده است که در سال ۳۵۸ بعد از میلاد، شاپور دوم با هون‌ها و گلانی که خشمگین‌ترین جنگجویان بودند پیمان اتحاد منعقد کرده است.<sup>۵</sup> پس از آن خونیت‌ها (هون‌ها) به عنوان سرباز در سپاه ساسانی به خدمت گرفته شدند و در سال ۳۶۹ م.، در کنار شاپور دوم در آمیدا (دیاربکر امروزی) جنگیدند.<sup>۶</sup> واقعیت مربوط به خراج‌گذاری هون‌ها با استناد به برخی از سکه‌های آن‌ها قابل اثبات است که تنها نام پادشاه ساسانی حاکم بر روی آن‌ها ثبت گردیده است.<sup>۷</sup> امنیتی که از این اتحاد برای ساسانیان ایجاد شده است را می‌توان در انتقال مهم‌ترین

1. (16.3.1; 16.9.3-4).

۲. شناسایی هون‌ها از کیداری‌ها، اغلب با استفاده از شرح κιδάρο (کیدارو) نوشته شده بر روی سکه‌های باختری حاصل می‌شود. بنگرید به:

N. Sims-Williams, *Bactrian Personal Names* (Vienna, 2010) 78, sec. 213.

3. X. Tremblay, *Pour une histoire de la Sérinde: Le manichéisme parmi les peuples et religions d'Asie Centrale d'après les sources primaires* (Vienna, 2001) 188.

4. (Amm. 16.3.1).

5. (Amm. 17.5.1).

6. Amm. 17.5.1, 18.6.22, 19.1.7.

7. M. Alram, *Nomina propria iranica in nummis: Materialgrundlagen zu den iranischen Personennamen auf antiken Münzen* (Vienna, 1986) 330.

ضرابخانه شاهنشاهی از تیسفون به کابل در دوران شاپور دوم به خوبی بازیافت.<sup>۱</sup> مرو، هرات، سگستان و دو ضرابخانه شرقی کشف نشده (نا مشخص) نیز در منابع باستانی ذکر شده‌اند.<sup>۲</sup>

### تحركات ضد ساسانی در شرق:

در اواسط سال ۳۶۰ بعد از میلاد، تهدید دیگری در شمال شرقی ظاهر شد. مورخ ارمنی، فاستوس بیزانسی (حدود ۴۷۰ بعد از میلاد)، به دو مورد از جنگ‌های شاپور دوم با کوشان‌ها اشاره دارد که در طی این نبردها، «نیروهای کوشان بیش از حد به نیروهای ایرانی فشار آوردند. بسیاری از آن‌ها را کشتند، بسیاری را به اسارت گرفته و سایرین را مجبور به عزیمت کردند».<sup>۳</sup> درباره نبرد دوم که براساس شواهد سکه‌شناسی در حدود ۳۷۵-۳۷۶ بعد از میلاد رخ داده است، فاستوس بیزانسی چنین گزارش می‌دهد، «ارتش ایران از نیروهای کوشان شکست خورده و در اثر ضربات وحشتناک وارده مجبور به عقب‌نشینی شد. کوشان‌ها با نیروهای ایرانی درگیر شدند و هیچ یک از ایشان را زنده نگذاشتند».<sup>۴</sup> این شکست‌ها نشانگر پایان حاکمیت ساسانیان بر منطقه‌ای باختر است.<sup>۵</sup> مارکارت،<sup>۶</sup> نیکلاس شیندل<sup>۷</sup> و خاویر ترمبلی<sup>۸</sup> بر این عقیده‌اند که این دشمنان هون‌ها

۱. این شناسایی به صورت تصادفی و براساس کشف یک گنجینه ساسانی (همراه با قطعاتی از کیداری‌ها)، در تپه مرنجان در کابل توسط باستان‌شناسان فرانسوی در دهه ۱۹۳۰ انجام پذیرفته است. سبک و جنس سکه‌ها بیانگر این است که آن‌ها از یک ضرابخانه واحد که احتمالاً در کابل یا به‌گرام قرار داشته آمده‌اند. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

M. Alram, "Alchon und Nēzak: Zur Geschichte der iranischen Hunnen in Mittelasien," in *La Persia e l'Asia centrale da Alessandro al X secolo*, Atti dei Convegni Lincei 127 (Rome, 1996) 521-522; N. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum Paris-Berlin-Wien*, vol. 3.1, *Shapur II. - Kawad I./2. Regierung* (Vienna, 2004) 235-236.

2. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 230-238.

3. N. Garsoïan, *The Epic Histories attributed to P'awstos Buzand (Buzandaran Patmut'iwnk')* (Cambridge, 1989) 197-198, bk. 5.7.

4. Garsoïan, *The Epic Histories*, 217-218, bk. 5.37.

5. F. Grenet, "Crise et sortie de crise en Bactriane-Sogdiane au IVe-Ve siècles: De l'héritage antique a l'adoption de modèles sassanides," in *La Persia e l'Asia centrale da Alessandro al X secolo*, Atti dei Convegni Lincei 127 (Rome, 1996) 371.

6. Marquart, *Ērānšahr*, 50.

7. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 246n1117.

8. X. Tremblay, "Ostiran vs. Westiran: Ein oder zwei Iran vor der islamischen Eroberung?" in *Iranistik in Europa - gestern, heute, morgen*, ed. H. Eichner, B. G. Fagner, V. Sadovski, and R. Schmitt (Vienna, 2006) 221.

بوده‌اند اما کریب معتقد است که آن‌ها کیداری‌ها بوده‌اند.<sup>۱</sup> این شکست‌های سنگین احتمالاً مقدمه‌ای بر از بین رفتن ضرباخانه کابل بوده‌اند. اگرچه از بین رفتن ضرباخانه کابل در هیچ منبع مکتوب یا کتیبه‌ای ثبت نشده است، اما از بین رفتن ضرباخانه ساسانی با استناد به این واقعیت تایید می‌شود که سکه‌های ساخته شده برای شاپور دوم و شاپور سوم در ضرباخانه کابل، پس از مدت کوتاهی توسط هون‌های آلخان<sup>۲</sup> صادر شده است.<sup>۳</sup> احتمال دارد که دشمن شاپور دوم، پادشاه کوشانی که در بلخ، پایتخت سابق کوشان ساکن بوده است، رهبری هون‌های آلخان را عهده‌دار بوده باشد.

#### حمله به مناطق مرکزی و رابطه خراجگذاری به دشمنان شمالی:

با توجه به گزارشات مورخ ایرانی، محمد بن جریر طبری، در هفتمین سال سلطنت بهرام پنجم ساسانی (۴۳۸-۴۲۰ م.)، یک خاقان ترک با ۲۵۰ هزار سپاهی خود رودخانه جیحون عبور کرده و خراسان را مورد تاخت و تاز قرار داده است.<sup>۴</sup> مورخ و جهانگرد عرب، مسعود نیز گزارش می‌دهد که «خاقان، پادشاه ترک‌ها، به سغد حمله کرده و ضمن غارت کردن قلمرو بهرام، تازی نیز به

1. J. Cribb, "The Kidarites, the Numismatic Evidence," in *Coins, Art and Chronology, vol. 2, The First Millennium C.E. in the Indo-Iranian Borderlands*, ed. M. Alram, D. Klimburg-Salter, M. Inaba, and M. Pfisterer (Vienna, 2010) 115.

۲. قومی عشایری بودند که سده‌های ۴-۶ میلادی، مناطقی را در آسیای میانه و آسیای جنوبی تحت سلطه گرفتند و با گسترش قلمرو خود در خاک هند، زمینه‌های سقوط امپراتوری گوپتا در هند را فراهم کردند (م.).

۳. آخرین نمونه‌ها، شعله‌های آتش را در محراب آتش نشان می‌دهند (معکوس) همانند نمونه‌های متعلق به بهرام چهارم و نوارهایی مشابه با نمونه‌های متعلق به یزدگرد اول را نیز دارا هستند. بنگرید به:

K. Vondrovec, "Die anonymen Clanchefs: Der Beginn der Alchon-Prägung," *Numismatische Zeitschrift* 113-114 (2005) 251, 275.

4. Bosworth, *The History of al-Tabari*, 94. Cf. E. Drouin, "Mémoire sur les Huns ephthalites dans leurs rapports avec les rois perse sassanides," *Le Muséon* 14 (1895) 154.

پیشروی پرداخته است.<sup>۱</sup> اگرچه بعضی اوقات از ایشان به عنوان خیونی<sup>۲</sup> یا هپتالیت<sup>۳</sup> نام برده شده است، اما احتمالاً این افراد کیداری‌ها<sup>۴</sup> بودند که بهرام را مجبور به پرداخت خراج کردند. پریسکوس در گزارشی درباره سلطن یکی از پادشاه بعدی ساسانی، یعنی پیروز (۴۸۴-۴۵۷ م.) از قرار پرداخت خراجی یاد می‌کند که می‌بایست حداقل متعلق به دوران بهرام بوده باشد. پریسکوس هم‌چنین می‌گوید که علت نبرد پیروز با کیداری‌ها، امتناع پدر پیروز، یعنی یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ م.) از پرداخت «باجی بود که پادشاهان پیشین پارس و پارت پرداخت کرده بودند».<sup>۵</sup> به گفته طبری، بهرام پس از شکست دادن این ترک‌ها، یک مرزبانی (سرپرست عملیات نظامی علیه کوشان) در برابر کوشان ایجاد کرده است. طبری هم‌چنین گزارش می‌دهد که بنا بر درخواست مردم ساکن مناطق مرزی با این ترک‌ها، بهرام با ایجاد برج (قلعه) به مشخص کردن سرزمین ترک‌ها و مرزها پرداخته است.<sup>۶</sup> بهرام هم‌چنین در حدود ۲۵۸ کیلومتری جنوب مرو مدرن، شهر مرو پوت<sup>۷</sup> را تاسیس کرد.<sup>۸</sup> با وجود (یا شاید به دلیل) موفقیت‌ها نظامی و حمایت‌های بهرام، تعدادی از منابع گزارش می‌دهند که یزدگرد دوم تصمیم گرفت تا نبرد علیه کوشان‌ها

1. C. Barbier de Meynard and A. Pavet de Courteille, *Maçoudi, Les prairies d'Or, texte et traduction* (Paris, 1864) 2: 190; Marquart, *Ērānšahr*, 52.

2. Marquart, *Ērānšahr*, 52, 55. Cf. C. Cereti, "Xiaona- and Xyōn in Zoroastrian texts," in *Afram, Klimburg-Salter, Inaba, and Pfisterer, Coins, Art and Chronology*, 2: 59-61; Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 365-366.

3. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 99 n 1; Drouin, "Mémoire sur les Huns Ephthalites," 154.

4. Bosworth, *The History of al-Tabarī*, 51 n 148; F. Grenet, "Regional Interaction in Central Asia and Northwest India in the Kidarite and Hephthalite Periods," *Proceedings of the British Academy* 116 (2002) 208; É. de la Vaissière, *Histoire des marchands sogdiens* (Paris, 2002) 100; Cribb, "The Kidarites," 115.

5. Priscus, *Fragmenta*, 6.41.3 (*Excerpta de legationibus gentes and Romanos 12*), ed., trans., and comm. R. C. Blockley, *The Fragmentary Classicising Historians of the Later Roman Empire: Eunapius, Olympiodorus, Priscus and Malchus*, vol. 2, *Text, Translation and Historiographical Notes* (Ottawa, 1983) 349.

6. Bosworth, *The History of al-Tabari*, 96.

برای اطلاع از بازتابی که بعداً در گزارش فردوسی رخ داده است بنگرید به:

T. Kowalski, "Les Turcs dans le Šāh-nāme," *Rocznik Orientalistyczny* 15 (1939-49) 86.

7. Merv-i Rot

8. T. Daryaei, ed., *Šahrestānīhāi Ērānšahr: A Middle Persian Text on Late Antique Geography, Epic, and History* (Costa Mesa, Calif., 2002) 18, sec. 11 = J. Marquart, *A Catalogue of the Provincial Capitals of Ērānšahr (Pahlavi Text, Version and Commentary)* (Rome, 1931) 11, sec. 11; C. Barbier de Meynard, *Dictionnaire géographique, historique et littéraire de la Perse et des contrées adjacentes extrait du Mo'djem el-Bouldan de Ya'qout, et complété à l'aide de documents arabes et persans pour la plupart inédits* (Paris, 1861) 525-526; G. Le Strange, *The Lands of the Eastern Caliphate* (Cambridge, 1905) 404-405; M. C. Inostrancev, "Note sur un point de l'histoire ancienne du Khârezm," *Journal Asiatique*, 10th ser. 15 (1910) 142.

را ادامه بدهد. بنابر گزارشات یغیشه واردایت، مورخ ارمنی قرن پنجم، مشاوران یزدگرد با اصرار از او خواستند «به سرزمین کوشان‌ها بروید و در آنجا پایگاهی برای خود ایجاد کنید، اگر همه‌ی آن‌ها در یک سرزمین خارجی دور نگهداشته و محاصره کنید، برنامه‌های مورد نظر شما تحقق خواهند یافت. شما بر سرزمین کوشانی‌ها حکومت خواهید کرد و یونانیان قادر نخواهند بود تا در برابر قدرت شما قرار بگیرند».<sup>۱</sup> با این همه، «پس از دو سال جنگ او نتوانست هیچ تاثیری بر روی آن‌ها بگذارد»، به همین دلیل تصمیم گرفت تا نیروهای خود را بازگرداند، بدین ترتیب «او هر ساله به تکرار این عادت پرداخت و موفق شد تا برای خود شهری بسازد و بتواند در آن زندگی کند؛ این شرایط از سال چهارم تا یازدهم سلطنت او برقرار بود».<sup>۲</sup> دو مورخ ارمنی دیگر به نام‌ها لازار پاربتسی<sup>۳</sup> (اواخر قرن پنجم میلادی) و سبوس ارمنی<sup>۴</sup> (قرن هفتم میلادی) که اولی معاصر یزدگرد دوم بوده و دومی هم در قرن هفتم می‌زیسته است، هردو از مخالفان یزدگرد دوم با نام کوشان یاد می‌کنند؛ و یغیشه واردایت نیز از مخالفان او تحت عنوان «هون‌هایی که آن‌ها را کوشان می‌نامند» یاد می‌کند<sup>۵</sup> و پریسکوس نیز به نوبه خود از آن‌ها تحت عنوان «هون‌ها کیداری» نام می‌برد.<sup>۶</sup> پایگاه عملیاتی یزدگرد دوم، شهرستان کومس<sup>۷</sup> یا شهرستان یزدگرد<sup>۸</sup> بود که در باستان با نام هکاتوم‌پیلوس (قوس در روزگار بعدی) شناخته می‌شد و بین سمنان و دامغان در شمال

1. R. W. Thomson, *Elishē, History of Vardan and the Armenian War* (Cambridge, 1982) 63.

2. Thomson, *Elishē*, 66.

3. R. W. Thomson, ed. and trans., *The History of Lazar P'arpec'i* (Atlanta, 1991) 133, sec. 86.

4. R. W. Thomson, ed., trans. R. W. Thomson and J. Howard-Johnston, *The Armenian History Attributed to Sebeos* (Liverpool, 1999) 1: 5, chap. 8, sec. 67.

5. V. Langlois, *Collections des historiens anciens et modernes de l'Arménie* (Paris, 1869) 2: 186.; Thomson, *Elishē*, 63, 66

6. Prisc. fr. 5.33.1 (*Excerpta* 8), Blockley 337. Cf. G. Greatrex and S. N. C. Lieu, *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars*, pt. 2, AD 363–630 (London, 2002) 56; Marquart, *Ērānšahr*, 56.

7. Daryae, *Šahrestānīhāi Ērānšahr*, 18, sec. 18 = Marquart, *A Catalogue*, 12, sec. 18, and 57; N. Pigulevskaia, *Les villes de l'état iranien aux époques parthe et sassanide: Contribution à l'histoire sociale de la Basse Antiquité* (Paris, 1963) 98; D. Monchi-Zadeh, *Topographisch-historische Studien zum iranischen Nationallepos* (Wiesbaden, 1975) 223 n 11,

او شخصیت اصلی را یزدگرد اول معرفی کرد، زیرا متن او یزدگرد پسر شاپور می‌نامد، اما دانشمندان دیگر، همچون دریایی و مارکارت این را خطایی در متن دانسته‌اند.

8. G. Hoffmann, "Auszüge aus syrischen Akten persischer Märtyrer, übersetzt und durch Untersuchungen zur historischen Topographie erläutert," *Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes* 7.3 (1880) 50; Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 113 n 4 continuing to 114, and 114n1.



شرقی ایران قرار دارد.<sup>۱</sup> یغیشه وارداپت می‌گوید که یزدگرد دوم سال‌های چهارم تا یازدهم سلطنت خود را در آنجا سپری کرد؛<sup>۲</sup> و در شهرستان‌های ایرانشهری ناشناس می‌خوانیم که یزدگرد «آن را در زمان سلطنت خودش در برابر گروه صحرانشین به ایستگاه نگهبانی قوی تبدیل کرد»<sup>۳</sup> یا «آن را در هنگام حمله به قومی ساخت»<sup>۴</sup> که محققان عموماً آن‌ها را هپتالیان می‌نامند.

### رویارویی‌های فاجعه‌آمیز با هپتالی‌ها و پیروزی بر کیداری‌ها:

هپتالی‌ها قومی دیگر از آسیای میانه بودند که از قرن پنجم میلادی به بعد به سمت غرب حرکت کردند و همانگونه که به پیش می‌رفتند، سرزمین‌ها را فتح می‌کردند. با بیرون راندن کیداری‌ها از باختر در حدود سال ۴۲۵ میلادی<sup>۵</sup>، هپتالی‌ها موفق شدند تا منطقه وسیعی را که از خراسان تا ترکستان چین امتداد داشت را تحت کنترل درآورند.<sup>۶</sup> در دوازدهمین سال سلطنت خود (۴۵۰/۴۴۹ م.)، یزدگرد، «نیروی بسیار قابل توجهی را جمع کرد» و به سرزمین هپتالی‌ها حمله کرد و بدین ترتیب «پادشاه کوشان‌ها این را دید، [و] دانست قادر به مقابله با او [یزدگرد] در نبرد نیست، پس وی به مناطق بیابانی رسوخ ناپذیر بازگشت و با تمام لشکریان خود مخفی شد. اما [یزدگرد]، استان‌ها، مناطق و اراضی تحت تسلط او رامورد حمله قرارداد، از بسیاری از شهرها و قلعه‌ها اسیر گرفت، غنائم جنگی به دست آورد و همه را غارت کرد و با همه‌ی این‌ها به قلمرو خود بازگشت».<sup>۷</sup> لشکرکشی دوم در سال شانزدهم سلطنت یزدگرد اتفاق افتاد (۴۵۴/۴۵۳).

۱. برای منابع بیشتر پیرامون هکاتم‌پیلوس بنگرید به:

A. Mordtmann, "Hekatompylos: Ein Beitrag zur vergleichenden Geographie Persiens," *Sitzungsberichte der Königlich Bayerischen Akademie der Wissenschaften* 1 (1869) 497-536.

2. Thomson, *Elishē*, 66.

3. Marquart, *A Catalogue*, 12, sec. 18.

4. Daryaei, *Šahrestānīhāi Erānšahr*, 18, sec. 18.

5. La Vaissière, *Histoire des marchandes sogdiens*, 100.

۶. برای آگاهی درباره هپتالی‌ها بنگرید به:

K. Enoki, "On the Nationality of the Ephthalites," *Memoirs of the Research Department of the Toyo Bunko (The Oriental Library)* 18 (1959) 1-58; G. Moravcsik, *Byzantinoturcica*, vol. 1, *Die byzantinischen Quellen der Geschichte der Türkvolker* (Berlin, 1983) 69-70; M. Alram and M. Pfisterer, "Alkhan and Hephthalite Coinage," in *Coins, Art and Chronology*, vol. 2, *The First Millennium C.E. in the IndoIranian Borderlands*, ed. M. Alram, D. Klimburg-Salter, M. Inaba, and M. Pfisterer (Vienna, 2010) 13-38; Tremblay, *Pour une histoire de la Sérinde*, 183-188.

7. Thomson, *Elishē*, 72.

میلادی) که با نتیجه‌ای فاجعه‌آمیز همراه بود؛ زیرا هپتالی‌ها «خسارات زیادی به ارتش شاه وارد کرده و بسیاری از استان‌ها شاهنشاهی را غارت کردند». <sup>۱</sup> لازار پاربتسی می‌گوید: «حتی اهداف جزئی پادشاه نیز تحقق نیافت و او کاملاً ناکام ماند، او با از دست دادن نخبه‌ترین و برجسته‌ترین مردان ارتش خود و بسیاری از سایر سربازان و سواران خود، کاملاً شرم‌سار مجبور به بازگشت شد». <sup>۲</sup>

پس از یزدگرد، پسرش هرمز سوم جانشین او شد (۴۵۷-۴۵۹ م.). <sup>۳</sup> بنا بر گزارشات طبری، پس از به سلطنت رسیدن هرمز، برادرش پیروز به هپتالی‌ها پناهنده شد. <sup>۴</sup> پیروز شهر را طالقان <sup>۵</sup> را برای ارتشی مبادله کرد که در سال ۴۵۹ میلادی، با کمک آن‌ها موفق به تصاحب تاج و تخت ساسانیان شد. <sup>۶</sup> در جایی دیگر، طبری به سادگی به نبرد میان پرویز و هرمز در ری صحبت به میان می‌آورد و از همراهی مردان «خراسان، طبرستان و برخی مناطق همجوار» با پیروز اطلاع می‌دهد. <sup>۷</sup> اما طبری هم‌چنین گزارش می‌دهد که «در آغاز سلطنت خود، او [پیروز] قدرت هپتالیان

1. Ibid., 192–193.

2. Thomson, *The History of Lazar P'arpec'i*, 133, sec. 86–87.

3. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 115; Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 107.

از آن‌جا که هیچ‌کدام از سکه‌های ساسانی را نمی‌توان به هرمز سوم اختصاص داد، شیندل این احتمال را مطرح کرد که شاید او هرگز موفق به تصاحب تاج و تخت نشده و پیروز بلافاصله پس از مرگ پدرش یزدگرد تاجگذاری کرده است. بنگرید به: (Sylloge Nummorum Sasanidarum, 388–389)

اما از سوی دیگر، متون باختری درباره یکی از مقامات بلندپایه به نام کرتیر وَرهران (Kirdir-warahan)، صحبت می‌کنند که دو بار مورد تجلیل قرار گرفته، «باشکوه» از سوی هرمز و «راستین» از سوی پیروز که بیانگر این است که هرمز می‌بایست برای مدتی هرچند کوتاه، در قدرت بوده باشد. (Sims-Williams, "The Sasanians in the East," 93–94).

4. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 107n275.

۵. چندین مکان با این نام وجود داشته است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

ibid., 108 and n. 276; V. Minorsky, *H' udūd al- 'Ālam*, "The Regions of the World": A Persian Geography, 372 A.H.–982 A.D. (Oxford, 1937) 507.

۶. برای زمان شناسی و مشکل تعیین زمان شروع سلطنت پیروز که به صورت رسمی مورد محاسبه قرار گرفته است، بنگرید به:

A. Luther, *Die syrische Chronik des Josua Stylites* (Berlin, 1997) 109–110 and nn. 44–45.

7. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 109.

را تقویت کرد، زیرا آن‌ها به وی علیه برادرش یاری رساندند<sup>۱</sup> و این در تضاد با این واقعیت است که پیروز پس از تصرف تاج و تخت، متحدان سابق خود را به زحمت انداخت. پیروز سه بار علیه کیداریان و هپتالیان وارد نبرد شد.<sup>۲</sup> به گفته پریسکوس، نبرد با کیداری‌ها در حدود سال ۴۶۴ میلادی به وقوع پیوست، زیرا همانگونه که گفته شد، «هون‌ها خراجی را که حاکمان پارس و پارت متعهد به پرداخت آن شده بودند را دریافت نکردند».<sup>۳</sup> یوهانس موعظه‌گر<sup>۴</sup> (قرن ششم میلادی)، گزارش می‌دهد که پیروز، در سال ۴۶۴ میلادی یا اوایل سال ۴۶۵ م. هیئتی را برای دیدار با پاپ لئو اول (۴۷۴-۴۵۷ م.) فرستاد، تا ایشان را مجاب به پشتیبانی مالی از نبرد خود علیه هون‌ها کند؛<sup>۵</sup> با این دلیل که ساسانیان با جلوگیری از هجوم بیگانه‌های وحشی به قلمرو خود به رومیان نیز کمک می‌کردند.<sup>۶</sup> اندکی پس از آن، یک اشراف‌زاده به نام کنستانتین

1. Ibid., 110.

۲. برای بحث و بررسی پیرامون همه‌ی منابع اواخر باستان و اسلام (پریسکوس، طبری و...) نگاه کنید به:

W. Szaivert, "Die Münzprägung des Sāsānidenkönigs Pērōz," *Litterae Numismaticae Vindobonenses* 3 (1987) 157-168, here 163-164.

3. Prisc. fr. 6.41.3 (*Excerpta* 12), Blockley 349.

پروکوپیوس قیصریه‌ای، دشمنان ساسانیان را هپتالی‌ها دانسته است و برخی از محققان موافق این نظر هستند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

*De bello persico*, 1.3.1-7, in Proc. Wars, and A. D. H. Bivar ("Hephthalites," *Encyclopaedia Iranica* 12.2 (2003) 198-201, updated [22 March 2012] at [www.iranicaonline.org/articles/hephthalites](http://www.iranicaonline.org/articles/hephthalites)),

اما محققان دیگر، روایت پریسکوس را که این قوم را کیداری‌ها معرفی کرده مورد قبول دانسته‌اند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

(e.g., S. Parlato, "Successo euroasiatico dell'etnico 'Unni,'" in *La Persia e l'Asia centrale da Alessandro al X secolo*, *Atti dei Convegni Lincei* 127 [Rome, 1996] 555-566, here 559; G. Greatrex, *Rome and Persia at War, 502-532* [Leeds, 1998] 45; and F. Grenet, "Kidarites," *Encyclopaedia Iranica*, online [20 July 2005] at [www.iranicaonline.org/articles/kidarites](http://www.iranicaonline.org/articles/kidarites)).

4. Joshua the Stylite

5. W. Wright, *The Chronicle of Joshua the Stylite, Composed in Syriac A.D. 507 with a Translation into English and Notes* (Amsterdam, 1968) 7, sec. 9.

برای آگاهی از بخش سریانی روایت بنگرید به:

The Chronicle, 9 n 2.

6. Prisc. fr. 6.41.1 (*Excerpta* 15), Blockley 347:

«آن‌ها هم‌چنین گفتند که رومی‌ها باید در جنگ با آن‌هایی که هون‌های کیداریت نامیده می‌شوند از ما حمایت مالی کنند، زیرا پیروزی ایرانیان برای رومی‌ها نیز سودمند خواهد بود و از ورود این مردم به قلمرو امپراتوری روم نیز جلوگیری خواهد کرد.» بنگرید به:

Luther, *Die syrische Chronik*, 113.

که سابقاً عهده‌دار عنوان کسول (۴۵۷ م.) و نیز فرمانده گارد پرتورین (۴۴۷، ۴۵۶ و ۴۵۹ م.) بود، رهبری هیئت رومی اعزامی به اردوگاه پیروز در نزدیکی گرگان را برعهده داشت.<sup>۱</sup> اگرچه در ادامه پریسکوس ادعا می‌کند که پرویز نتوانست تا حمایت مالی مورد نظر خود را کسب کند، اما یوهانس موعظه‌گر ادعا می‌کند که پیروز با کمک پول دریافت شده توانست تا لشکرکشی مورد نظر را انجام داده و بخش‌هایی از قلمرو دشمن را تصرف کند.<sup>۲</sup> پیروز موفق به شکست دادن کیداری‌ها و کشتن پادشاه آن‌ها کونخاس<sup>۳</sup> شد؛<sup>۴</sup> و احتمالاً این واقعه براساس شواهد سکه‌شناسی می‌بایست در سال ۴۶۶ یا میان سال‌های ۴۶۷-۴۶۸ میلادی به وقوع پیوسته باشد که در نتیجه آن، سفرایی را برای دیدار با پاپ لئو اول فرستاد، چراکه پریسکوس نیز در این مورد چنین گزارش می‌دهد که «به شکل بی ادبانه‌ای به آن افتخار می‌کرد، زیرا آن‌ها تمایل داشتند که به تبلیغ و صحبت درباره نیروی بزرگی پردازند که در حال حاضر گردآورده بودند».<sup>۵</sup>

### اتحاد بر پایه ازدواج‌های بین سلسله‌ای، گرفتن گروگان سلطنتی و مرگ یک پادشاه در نبرد:

پس از مرگ کونخاس، پیروز سعی کرد تا یک ازدواج بین خواهر خود و پسر کونخاس که جانشین او شده بود ترتیب بدهد. وقتی حاکم جدید کیداری‌ها فهمید که پرویز زن دیگری را به جای

برای آگاهی از درخواست‌های ساسانیان با هدف دریافت کمک‌های مالی از روم بنگرید به:

R. C. Blockley, "Subsidies and Diplomacy: Rome and Persia in Late Antiquity," *Phoenix* 39.1 (1985) 62-74.

و با اینحال، آنگونه که بسیاری فکر می‌کردند آن‌ها ادای احترام نکردند. برای اطلاع بیشتر نیز بنگرید به:

H. Börm, "Anlässe und Funktion der persischen Geldförderungen an die Römer (3. bis 6. Jr.)," *Historia* 57.3 (2008) 327-346.

1. Prisc. fr.32 (*Excerpta* 6.41.3), Blockley 349. Cf. R. Mathisen, "Patricians as Diplomats in Late Antiquity," *Byzantinische Zeitschrift* 79 (1986) 44; Grenet, "Regional Interaction," 209n11; Luther, *Die syrische Chronik*, 113.

2. W. Wright, *The Chronicle*, 8, sec. 10 = A. Luther, *Die syrische Chronik*, 39, sec. 10.

3. king Kunchas

۴. کونخاس ظاهراً نمی‌تواند یک اسم باشد و احتمال دارد که عنوانی همچون کان کان بوده باشد. مارکارت در مقاله‌ی خود

تحت عنوان 71 "Über das Volkstum der Komanen"، مطرح کرده است که کان (کون) یک نام عمومی برای هون‌های

سفید یا قبیله یا بخشی از آن‌هاست که برای اولین بار در تاریخ با آن مواجه شده است. برای اطلاع از تعبیر دیگر، یعنی کان

کیداری‌ها بنگرید به:

Tremblay, *Pour une histoire de la Sérinde*, 188.

5. Prisc. fr. 6.51.1 (*Excerpta* 22), Blockley 361.

خواهرش فرستاده است، به او اعلام جنگ کرد.<sup>۱</sup> استیلا و اقتدار پیروز چندان دوام نیاورد و در سال ۴۷۴ میلادی،<sup>۲</sup> در جنگ با هپتالی‌ها اسیر شد.<sup>۳</sup> به گفته یوهانس موعظه‌گر، «هنگامی که زنون امپراتور بیزانس از این واقعه آگاه شد، با پول خود پیروز را آزاد کرد و میان ایشان دوستی برقرار ساخت».<sup>۴</sup> از این تاریخ به بعد، هپتالی‌ها بر باختر مسلط شدند و از پیروز (و پسرش قباد) خراج بسیاری را گرفتند. این مسئله از انبوه درهم‌های ساسانی متعلق به پیروز که در اثر روابط هپتالی‌ها با چین به شرق راه یافته است قابل شناخت و اثبات است.<sup>۵</sup>

چند سال بعد، پیروز پیمان خود با هپتالی‌ها را شکست و مجدداً علیه آن‌ها وارد جنگ شد. احتمالاً این همان جنگ‌هایی است که پیروز علیه پادشاه هپتالی به نام خشنواز آغاز کرده<sup>۶</sup> و در نتیجه، برای مرتبه دوم توسط آن‌ها اسیر شده است. پیروز به اسیرکننده‌گان خود وعده سی قاطر با بار نقره داد،<sup>۷</sup> اما او تنها موفق به جمع‌آوری بیست قاطر با بار نقره شد و در سال ۴۸۲ میلادی، پسرش قباد را به عنوان گروگان تا زمان پرداخت کامل باج به دربار هپتالی‌ها فرستاد. دو سال بعد، پیروز یک لشکرکشی بسیار فاجعه‌آمیزتر علیه هپتالی‌ها انجام داد. خشنواز به پیروز پیشنهاد کرد که در عوض کشتن او، یک معاهده کتبی و مهر و موم شده با او بنویسد که به موجب آن، هیچ یک از طرفین نمی‌توانستند با نیت دشمنی و جنگ از حدود مرزی مقرر شده

1. Prisc. fr. 6.41.3 (*Excerpta* 12), Blockley 349.

2. Alram and Pfisterer, "Alkhan and Hephthalite Coinage," 22–23.

3. *Ibid.*, 23, 29.

بنابر گزارشات یوهانس موعظه‌گر، پس از مبارزات فراوان «در آخر پیروز توسط آن‌ها اسیر شد». برای آگاهی و بحث درباره تاریخ نیز بنگرید به:

Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 397–398.

4. Wright, *The Chronicle of Joshua the Stylite*, 8, sec.10. Cf. Marquart, *Ērānšahr*, 58.

5. Thierry, "Sur les monnaies sassanides," 118; Alram and Pfisterer, "Alkhan and Hephthalite Coinage," 32.

میان سال‌های ۴۷۵–۴۷۷ میلادی که برابر است با سال‌های پایانی پادشاهی پیروز، تاج سوم او نیز به عنوان الگو در سکه‌های هپتالی مورد تقلید قرار گرفته است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

M. Alram, "A Rare Hunnish Coin Type," *Silk Road Art and Archaeology* 8 (2002) 151.

۶. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

W. B. Henning, "Neue Materialien zur Geschichte des Manichäismus," *Zeitschrift Deutschen Morgenländigen Gesellschaft* 90 (1936) 17n2.

7. Wright, *The Chronicle of Joshua the Stylite*, 8, sec. 10. Cf. F. R. Trombley and J. W. Watt, *The Chronicle of Pseudo-Joshua the Stylite* (Liverpool, 2000) 11.

عبور کنند و نیز تاکید کرد که هرگز این نکته را فراموش نکن که من با آزاد کردن تو، در حق تو بخشندگی و لطف کرده‌ام.<sup>۱</sup> لشکرکشی‌های پیروز سرانجام با مرگ او، چهار تن از پسران و چهار تن از برادرانش پایان یافت،<sup>۲</sup> پس از آن بود که هپتالی‌ها سرزمین ایران را غارت کرده و به قلمرو خود بازگشتند.<sup>۳</sup> ایران توسط هون‌ها صدمات بسیار دیده و جمعیت زیادی را از دست داد.<sup>۴</sup> اما ساسانیان موفق به گرفتن انتقام شدند، چراکه چند سال بعد سوخرا با کمک گرفتن از خاندان پارت نژاد کارن، موفق به شکست دادن هپتالی‌ها شد<sup>۵</sup> و این خاندان، از بلاش (۴۸۸-۴۸۴ م.) که برادر و جانشین پیروز بود، پاداشی سخاوتمندانه دریافت کردند.

از سویی دیگر، یادداشتی از ابن اسفندیار (حدود ۱۲۱۶ میلادی)، یک خندق بزرگ را که هنوز در زمان زندگی وی پابرجا و قابل مشاهده بوده است را به فیروز شاه یا همان پیروز نسبت می‌دهد.<sup>۶</sup> این مشخصات ارائه شده تنها با دیوار گرگان که یک سازه با طول تقریباً ۲۰۰ کیلومتر است قابل تطبیق می‌باشد که برپایه آزمایشات پرتوی رادیوکربن، متعلق به قرن پنجم یا ششم میلادی است.<sup>۷</sup>

### فتح خراسان و رابطه خراج‌گذاری ایرانیان با هپتالی‌ها:

از دست رفتن خراسان در این دوران با توجه به شواهدی از ضرابخانه‌هایی قابل اثبات است که شمالی‌ترین آن‌ها امروزه گرگان است.<sup>۸</sup> در دوره سلطنت بلاش، نخستین سال‌های سلطنت قباد و نیز سال‌های کوتاه سلطنت جاماسپ، هیچ سکه‌ای در شرق ضرب نشده است. گفته می‌شود که

1. Thomson, *The History of Lazar P'arpec'i*, 215, sec. 155.

و برای بحث و احتمالات مختلف درباره‌ی مرگ پیروز بنگرید به:

Averil Cameron, "Agathias on the Sassanians," *Dumbarton Oaks Papers* 23-24 (1969-1970) 127, 129, and 153.

2. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 110. Cf. Wright, *The Chronicle of Joshua the Stylite*, 9, sec. 11.

3. Hamilton and Brooks, *The Syriac Chronicle*, 152.

4. Wright, *The Chronicle of Joshua the Stylite*, 12, sec. 18.

5. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 110.

6. E. G. Browne, *An Abridged Translation of the History of Ṭabaristán Compiled about A.H. 613 (A.D. 1216) by Muhammad b. al-H'asan b. Isfandiyār, Based on the India Office Ms. Compared with Two Mss. in the British Museum* (Leiden, 1905) 27.

7. M. Y. Kiani, *Parthian Sites in Hyrcania: The Gurgan Plain* (Berlin, 1982) 11-38; E. Sauer, H. O. Reikavandi, T. J. Wilkinson, and J. Nokandeh, *Persia's Imperial Power in Late Antiquity: Sasanian Frontier Walls, Forts and Landscapes of Northern Iran* (Oxford, 2013).

8. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 428, map 12.

قباد (دوره اول ۴۸۸-۴۹۶ م. و دوره دوم ۴۹۹-۵۳۱ م.) نیز همانند پدرش پیروز، به دربار خاقان ترک فرار کرده و چهار سال را در آنجا سپری کرده است. در هر دو منبع موجود، تاریخ نستوری و پروکوپئوس،<sup>۱</sup> از این ترک‌ها به عنوان هپتالی‌ها نامبرده شده است.<sup>۲</sup> قباد که قبلا دو سال را به عنوان گروگان خشنواز در دربار هپتالی‌ها سپری کرده بود، به دنبال کسب کمک‌های نظامی لازم برای سرنگونی برادر خود بود.<sup>۳</sup> قباد با همسری هپتالی و نیروهای هپتالی بازگشته و تاج و تخت را بدست آورد.<sup>۴</sup> افزایش تولید مقطعی ضرابخانه گرگان در اولین دوره سلطنت او ممکن است به دلیل پرداخت سالانه خراجی از سوی او به هپتالی‌ها بوده باشد.<sup>۵</sup> در دوره دوم سلطنت قباد اما، چهار مورد از ضرابخانه‌های غیر فعال ساسانیان در منطقه شرق مجدداً به فعالیت پرداختند و این می‌تواند ناشی از موفقیت‌ها و پیروزی‌های نظامی ساسانیان در این منطقه بوده باشد.<sup>۶</sup> لشکرکشی رخ داده در سال ۵۰۸ میلادی<sup>۷</sup>، که منجر به فتح قلعه زندبار<sup>۸</sup> به همراه معبد آز-زون<sup>۹</sup>

1. Proc. 1.4.29. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 448.

شیندل این را مطرح می‌کند که حکومت دو ساله هپتالی‌ها در زمان سلطنت بلاش رخ داده و متعلق به دوران سلطنت قباد نیست.

2. A. Scher and P. Dib, *Histoire Nestorienne (Chronique de Séert)*, 1.21.2 (Paris, 1910) 118; cf. cf. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 133 n 6.

3. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 126 n 324.

این سنت به دلیل اغتشاشات بعدی و مشکلات پیش آمده برای قباد در پس گرفتن تاج و تخت از برادرش جاماسپ بعد از دوره اول سلطنتش به فراموشی سپرده شد. ینگرید به:

Greatrex, *Rome and Persia at War*, 51; Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 433.

4. Proc. 1.6.10. As Trombley and Watt, *The Chronicle of Pseudo-Joshua*, 21 n 104.

گزارش مشابهی از همسر هپتالی قباد را می‌توانید در منبع دیگری نیز مشاهده کنید:

*Chronicle of Joshua the Stylite* sec. 24,

این احتمال وجود دارد که گزارشات این منبع نیز از همان گزارشات پروکوپئوس اخذ شده باشد اما با اندکی تلخیص و کاهش.

5. Schindel, *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, 448.

6. *Ibid.*, 490.

هر کسی از تاریخ‌های فعالیت مجدد این ضرابخانه‌ها ممکن است استنباط کند که این موارد دنباله‌ای بر پیروزی‌های نظامی بوده اند (برای مثال: مرو در سال ۵۲۴ م.، هرات در سال ۵۲۵ م. و ابرشهر یا نیشابور در سال ۵۳۵ م.)، اما برای استدلال و استنتاجی دیگر، اطلاعات موجود اندکی هستند.

7. Marquart and de Groot, "Das Reich Zābul," 277-279.

8. Zundaber (Zumdaber)

9. Temple of az-Zun

در سرزمین ادیور بین شهرهای بُست و قندهار شده نیز توسط مورخ ایرانی قرن نهم، احمد بن یحیی بلاذری گزارش شده است.<sup>۱</sup>

### تسخیر قلمرو هپتالی‌ها توسط ساسانیان و ترکان:

قباد، پس از سپری کردن دوره سلطنتش که طولانی و پر آشوب بود، در سال ۵۳۱ میلادی درگذشت. هنگامی که خسرو اول (۵۷۸-۵۳۱ م.) در ایران به قدرت رسید، ماوراءالنهر و ترکستان هنوز تحت سلطه هپتالی‌ها بود، اما ظهور نخستین حکومت خاقانات ترک در حدود سال ۵۵۲ میلادی، شرایط دستخوش تغییرات شد. بومین خان<sup>۲</sup> (۵۵۲-۵۷۲ م.)، ایلخان ترک و برادرش ایستمی خان (که میان سال‌های ۵۵۳-۵۷۵ م. بر قسمت غربی قلمرو حکمرانی می‌کرد)، از مغولستان در شرق به سرزمین‌های هپتالی‌ها در غرب لشکرکشی کردند.<sup>۳</sup> خاقانات ترک غربی و شاهنشاهی ساسانی با یک دشمن مشترک به نام هپتالی‌ها مواجه بودند که زمینه‌های همکاری-های اولیه و نهایتاً یکسری درگیری‌ها را ایجاد کرد. منابع عربی و فارسی درباره تاریخ این دوران، پنج روایت را ارائه می‌دهند.<sup>۴</sup> طبری به همراه یک تذکره‌نویس قرن سیزدهم میلادی عرب (یا گُرد) به نام عزالدین علی بن اثیر و یک دانشمند ایرانی از قرن یازدهم به نام احمد بن محمد ثعالبی، سرزمین‌هایی همچون سند، بُست، الروخاج (آراچوسیا)، زابلستان، ترکستان، دادستان و کابلستان

1. Marquart, *Ērānšāhr*, 37; Minorsky, *H' udūd al-'Ālam*, 345; C. E. Bosworth, *The History of the Saffarids of Sistan and the Maliks of Nimruz (247/861 to 949/1542-3)* (Costa Mesa, Calif., 1994) 87.

2. J. Marquart, "Historische Glossen zu den alttürkischen Inschriften," *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* 12 (1898) 184-185:

بومین خان یا موهان خان (موکان خان یا موگان خان در منابع چینی) را یک نام تاج و تخت دانسته و اظهار داشت که او را با سینگیبو (Singibu) از منابع عربی و بیزانس یکسان است. در یک کتیبه سغدی که بر روی یک تندیس انسانی ترک که در ژائوسو (Zhaosu) در نزدیکی مرز چین و قزاقستان حک شده است او را موقان قآن (Muqan Qaghan) نامیده‌اند. بنگرید

به:

É. de la Vaissière, "Maurice et le Qaghan: À propos de la digression de Théophylacte Simocatta sur les Turcs," *Revue des Études Byzantines* 68 (2010) 221.

3. D. Sinor, "The Establishment and Dissolution of the Türk Empire," in *The Cambridge History of Early Inner Asia*, ed. D. Sinor (Cambridge, 1990) 298.

4. G. Widengren, "Xosrau Anōšurvān, les Hephtalites et les peuples turcs (Études préliminaires des sources)," *Orientalia Suecana* 1 (1952) 83-84.



را نام می‌برند که توسط خسرو اول فتح شده‌اند.<sup>۱</sup> آن‌ها هیچ اشاره‌ای به هپتالی‌ها نمی‌کنند. اما یک نسخه دوم از گزارشات وجود دارد که به طبری و ابن اثیر نسبت داده شده و در آن نسخه از گزارشات، سین جیبو، خاقان ترک پادشاهی از هپتالی‌ها را کشته، بخش اعظمی از ارتش او را نابود کرده و سرزمین‌هایی (بی نام) که توسط خسرو فتح نشده‌اند را تصرف کرده است. روایت سوم توسط چهار مورخ مختلف (طبری، ایوتیکوس اسکندریه‌ای [مرگ در ۹۴۰ م.]، بلعمی، مسعودی و ثعالبی) است که در این نسخه خسرو اول از خاقان می‌خواهد در نبرد علیه هپتالی‌ها به او کمک کرده و با دختر خاقان ازدواج می‌کند. با هدف گرفتن انتقام مرگ پیروز، خسرو به سوی بلخ و ماوراءالنهر رفته و پایگاه ارتش خود را در فرغانه قرارداد. طبری و ایوتیکوس می‌نویسند که خاقان پادشاه هپتالی‌ها را به قتل رساند، و این در حالی است که مسعودی و بلعمی از خسرو به عنوان قاتل نام می‌برند.<sup>۲</sup> در چهارمین گزارش که در نوشته‌های دینوری، می‌خواند، فردوسی و طبری و هم‌چنین در نسخه‌ای ناشناس از مجمع‌التواریخ و القصص و نسخه‌ی ناشناسی از نه‌هایه‌الارب، خسرو موفق به فتح ترکستان، زابلستان، کابلستان و چغانیان شده و این در حالی است که خاقان کنترل تاشکند، فرغانه، سمرقند، کش و نسف را به دست گرفته و تا بخارا به پیش می‌رود. با آگاهی از فتوحات خاقان، خسرو پسرش هرمز را با سپاهی برای نبرد با خاقان می‌فرستد و خاقان به شرقی‌ترین نقطه ترکستان می‌گریزد. سرانجام پیمان صلحی میان خسرو و خاقان با ازدواج خسرو با دختری ترک بسته می‌شود.<sup>۳</sup> سرانجام مطابق روایت پنجم از وقایع به وقوع پیوسته توسط

1. Bosworth, *The History of al-Ṭabarī*, 150.

البته طبری نامی از دادستان و کابلستان در لیست خود نیاورده و ثعالبی نیز سند، زابلستان و ترکستان را «و دیگران» نامیده است.

۲. برای اطلاع از این موضوع که بین خسرو اول و خاقان ترک، کدام یک نقش مهم‌تر و بیشتری در سرنگونی هپتالی‌ها داشته است، بنگرید به:

J. Howard-Johnston, "The Sasanians' Strategic Dilemma," in *Commutatio et contentio: Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East*, ed. H. Börm and J. Wiesehöfer (Düsseldorf, 2010) 47 and n. 41.

3. Thomson, *The Armenian History*, 14, sec. 72–73.

بنابر گزارشی به نقل از ابن قدامه، ابن فقیه، ابن خردادبه و بلاذری، این اتحاد با یک خاقان ترک در قفقاز صورت گرفته است؛ نه یک خاقان ترک در آسیای میانه.

مسعودی، بلعمی و ابن بلخی (اوایل قرن دوازدهم میلادی)، خسرو لشکرکشی‌هایی به هندوستان، چین (براساس گزارشات فارسانمه) و حتی تبت (طبق گزارشات مسعودی) داشته است. گزارشات فارسانمه حاکی از آن است که خسرو و خاقان ترک، حملاتی از پیش هماهنگ شده را انجام داده‌اند. خسرو زابلستان، ترکستان و سند را تحت سلطه گرفته و با خاقان توافقی می‌کند که ماوراءالنهر شامل فرغانه تحت کنترل ساسانیان باشد، در حالیکه همه چیز در آن سوی فرغانه از جمله ترکستان، متعلق به خاقان باشد.

فتوحات خسرو در شرق را می‌توان با استناد به سکه‌های ضرب شده در ضرابخانه‌های ابرشهر (نیشابور)، بلخ، بُست، هرات، مرو و سکستان اثبات کرد.<sup>۱</sup> هم‌چنین منابع سریانی تصدیق می‌کنند که خسرو در سال ۵۴۹ میلادی با هپتالی‌ها روابط دوستانه‌ای داشته است، اما در دهه‌های بعدی، با چرخشی سیاسی در برابر آن‌ها قرار گرفته است.<sup>۲</sup> هوارد جانسون با اشاره به این نکته که آخرین حضور هیئت سفرای هپتالی در دربار ژو به سال ۵۵۸ میلادی باز می‌گردد، سقوط حکومت هپتالی‌ها را ۵۵۹-۵۶۰ میلادی دانسته است.<sup>۳</sup> کارل مک‌کارتی معتقد است که خسرو پس از برقراری صلح با روم در سال ۵۶۲ میلادی، به تنهایی به لشکرکشی علیه هپتالی‌ها پرداخته است.<sup>۴</sup> اما با این همه، پیروزی قطعی ترکان و ساسانیان بر هپتالی‌ها می‌بایست میان سال‌ها ۵۶۷-۵۶۳ میلادی<sup>۵</sup> یا ۵۵۷-۵۶۵ میلادی<sup>۶</sup> رخ داده باشد.

1. D. Sellwood, P. Whitting, and R. Williams, *An Introduction to Sasanian Coins* (London, 1985) 143-144.

2. Marquart and de Groot, "Das Reich Zābul," 257 n 2.

3. Howard-Johnston, "The Sasanians' Strategic Dilemma," 47.

4. C. A. Macartney, "On the Greek Sources for the History of the Turks in the Sixth Century," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 11 (1944) 269n3.

البته مارکارت و دگروت (257n2, "Das Reich Zābul") بر این عقیده هستند که این اتفاق به سرعت و پس از شکست هپتالی‌ها در هند در سال ۵۳۳ میلادی رخ داده است، اما باید گفت که این تاریخ بسیار زودتر است تاریخی است که سایر محققان ذکر کرده‌اند.

5. Marquart and de Groot, "Das Reich Zābul," 258.

6. Golden, "Turks and Iranians," 21.

### تجدید خصومت‌ها در شرق:

به گفته ابوالقاسم فردوسی توسی، هرمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰ میلادی)، پسر و جانشین خسرو اول، که مادرش شاهزاده خانمی ترک بود، به تُرک‌زاد یا فرزند تُرک معروف شد.<sup>۱</sup> با این همه اما بنابر گزارشات طبری، در یازدهمین سال سلطنت هرمز چهارم، یک حاکم ترک به نام صبا یا شاوار با سیصد هزار سرباز به منطقه هرات حمله کرده است.<sup>۲</sup> بهرام چوبین، فرمانده نظامی هرمز در شرق، «دلاورانه به ارتش هپتالی‌ها حمله کرده و بلخ و تمام سرزمین کوشان را فتح کرده و تا جایی که رودخانه بزرگی به نام وهروت (جیحون) قرار داشت و تا آنجا که کازیون<sup>۳</sup> نامیده می‌شد به پیش راند».<sup>۴</sup> در دوره بعدی و در جریان شورش بهرام چوبی علیه هرمز، این احتمال وجود دارد که هپتالی‌ها به این استیلا پایان داده باشند.<sup>۵</sup> مطابق با یک تاریخچه (سالنامه) سریانی ناشناس، جانشین هرمز، یعنی خسرو دوم (دوره اول ۵۹۰ م. و دوره دوم ۶۲۸-۵۹۱ میلادی)، نیرویی را تحت فرماندهی سردار خود در خراسان که ویستهم نام داشته، به مرزهای خاقانات ترک فرستاده است.<sup>۶</sup> در ادامه و مطابق گزارش سبوس ارمنی، ویستهم سعی کرده تا خود شخصا قدرت را در دست بگیرد و سعی کرده تا با مطیع کردن دو پادشاه کوشانی، به نام‌های شاوگ و پریوگ، از نیروهای آن‌ها برای نبرد با سپاهیان خسرو استفاده کند.<sup>۷</sup> شواهد سکه‌شناسی اثبات می‌کنند که شورش ویستهم از ۵۹۱-۵۹۶ میلادی به طول انجامیده است.<sup>۸</sup> هم‌چنین سالنامه‌های سریانی ناشناس، پریوگ پادشاه کوشان را تُرک دانسته‌اند.<sup>۹</sup>

1. Cited in Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 167 and 252.

2. Ibid., 269.

3. Vehrot [Oxus]

4. Kazbion

5. Thomson, *The Armenian History*, 15, sec. 73.

و نیز برای منابعی که آغاز سلطنت هرمز را ۳۰ ژوئن ۵۷۸ میلادی دانسته بنگرید به:

Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 269n2.

6. Marquart, *Ērānšahr*, 65.

7. T. Nöldeke, *Die von Guidi herausgegebene syrische Chronik* (Vienna, 1893) 8; Mordtmann, "Hekatompulos," 502ff.

8. Thomson, *The Armenian History*, 45, sec. 97. Nöldeke, *Die von Guidi herausgegebene syrische Chronik*, 8n6.

9. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber*, 486; Sellwood, Whitting, and Williams, *An Introduction to Sasanian Coins*, 150-151.

10. Nöldeke, *Die von Guidi herausgegebene syrische Chronik*, 8 and n. 7.

مرحله مهم دیگری از اقدامات نظامی ساسانیان در شرق، در زمان سلطنت خسرو دوم به وقوع می‌پیوندد.<sup>۱</sup> پس از انتصاب ژنرالی ارمنی به نام سمبات باگراتیونی از جانب خسرو به مرزبانی ورکان (هیرکانیا در شرق دریای کاسپین)،<sup>۲</sup> خسرو فرماندهی نیروی بزرگی در شرق برای حمله به کوشان‌ها را به وی واگذار کرد. پس از پیروزی‌های اولیه، سمبات در نزدیکی نیشابور اردو زد. در این زمان بود که یک نیروی کمکی سیصد هزار نفری از سوی خاقان خاقانات ترک شمالی از جیحون عبور کردند.<sup>۳</sup> خاقان بزرگ، پادشاه مناطق شمالی ذکر شده احتمالاً شیگی<sup>۴</sup> (مرگ در حدود ۶۱۶ م.) نوه بزرگ ایستمی‌خان باشد<sup>۵</sup> که بر منطقه کوچتری در تقسیمات خاقانات ترک حکومت می‌کرد.<sup>۶</sup> مهاجمان مذکور پس از شکست دادن ایرانیان، تمام سرزمین‌ها تا استان اصفهان را در نوردیدند تا زمانی‌که ظاهراً به دلیل مرگ خاقان بزرگ کیمین (قیمین)<sup>۷</sup> مجبور به بازگشت شدند.<sup>۸</sup> در سال ۶۱۴ میلادی، نیروهای ترک از جبهه ساسانی، به سوی مرزهای چین به

1. Marquart, *Ērānšahr*, 66.

تاریخ این وقایع را کمی قبل از ۶۱۶-۶۱۷ میلادی دانسته است، چراکه سبوس ارمنی گزارش می‌دهد که سمبات باگراتیونی در بیست و هشتمین سال سلطنت خسرو دوم درگذشت.

2. Thomson, *The Armenian History*, 48, sec. 100.

3. *Ibid.*, 50-51, sec. 101.

۴. تون جیغو خان و تونشو خان از دیگر نام‌هایی هستند که برای این خاقان ترک در منابع فارسی بیشتر به کار رفته است (م.م.).

5. Howard-Johnston, "The Sasanians' Strategic Dilemma," 63.

6. Howard-Johnston, commentary to Thomson, *The Armenian History*, 2: 185.

۷. در منابع فارسی برای این خاقان تُرک نام قراچورین ذکر گردیده است (م.م.).

۸. این موضوع در منابع چینی متعلق به سال‌های ۵۹۳-۵۹۶ میلادی نیز مورد تأیید قرار گرفته و احتمالاً مشابه با خاقان بزرگ تولدیچ (Tuldich) بوده که در گزارشات تنوفیلاکت سیموکاتا (تنوفولاکتوس) نیز به نام‌های از جانب او برای امپراتور موریس، امپراتور روم شرقی اشاره شده است (7.8.9). برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

Michael Whitby and Mary Whitby, *The History of Theophylact Simocatta: An English Translation with Introduction and Notes* (Oxford, 1986) 190.

هم‌چنین برای آگاهی بیشتر درباره تولدیچ نگاه کنید به:

H. W. Haussig, "Theophylakts Exkurs über die skythischen Völker," *Byzantion* 23 (1953) 378 and n. 390.

به گفته هوارد جانسون در (The Sasanians' Strategic Dilemma, 60)، او توسط سویی (Sui) به عنوان سفیر چین در ۵۹۷ میلادی منصوب شده بود. بنگرید به:

M.-T. Liu, *Die chinesischen Nachrichten zur Geschichte der OstTürken (T'u-Küe)* (Wiesbaden, 1958) 57-58.

حرکت درآمدند.<sup>۱</sup> پس از ساماندهی مجدد نیروهای ساسانی، سمبات تا جایی که ممکن بود، به پیشروی در خاک بلخ و تعقیب دشمنان پرداخت.<sup>۲</sup>

### نتیجه:

امپراتوری‌ها غالباً دربر گیرنده مناطقی فراتر از سرزمینی که از آن سرچشمه می‌گیرند هستند. در مورد امپراتوری (شاهنشاهی) ساسانیان، بنیانگذار آن یعنی اردشیر اول و پسرش شاپور اول، دامنه امپراتوری خود را به خوبی در شمال رودخانه جیحون و شرق هرات گسترش دادند و این میراث ژئوپلیتیکی ایجاد کردند که به تعبیری بهتر، یک نعمت پرآشوب و درهم ریخته و به شدت مورد اختلاف برای وارثان آن‌ها در چهار قرن بعدی بود. همانگونه که دیدیم، حفظ این مناطق مستلزم صرف هزینه‌ای عظیم از نیروی انسانی، پول و سرمایه‌های سیاسی بود و به عنوان سرزمین‌هایی که مداوم درگیر جنگ است و حدود آن با صلح‌های ناپایدار و شکننده‌ای که به راحتی از جانب طرفین شکسته شده یا کنار گذاشته می‌شدند به یادگار ماند. ساسانیان در مرزهای شمال شرقی خود به صورت مداوم با چهار گروه اصلی کوشان‌ها، هون‌ها (خیونیت‌ها، کیداری‌ها و آلخان‌ها)، هپتالی‌ها و ترک‌ها رو به رو بودند. عدم دستیابی به برتری بر دشمنان، باعث تهاجم‌های متعدد به خراسان و مناطق اطراف دریای کاسپین توسط این حریفان شد. اتحاد شاپور دوم با کیداری‌ها، باعث شد تا نیروی سواره‌ای را که در نبرد آمیدا حضور داشتند را به دست بیاورد، اما به صورت کلی، چنین دست‌آوردهای اندکی را به سختی می‌توان بازپرداخت مناسبی در قبال هزینه‌های گزاف ساسانیان برای وقایع رخ داده در شرق دانست. ما هم چنین به خوبی نمی‌دانیم که درآمد ناشی از مالیات و خراج به دست‌آمده از مناطق شرقی نیز چقدر بوده است. تصور مورد قبول این است که پادشاهان ساسانی از کنار گذاشتن ادعاهایی که نسبت به این اراضی از نیاکانشان به آن‌ها رسیده بود وحشت داشتند. هم چنین هزینه‌های نگهداری این ادعاها

1. Howard-Johnston, commentary to R. W. Thomson, *The Armenian History*, 2: 186.

2. Thomson, *The Armenian History*, 50–51, sec. 102.

و اراضی نیز به اندازه‌ای گزاف بود که همه پادشاهان ساسانی که بر تخت شاهی نشستند، به گونه‌ای آن را متحمل شدند.

